



# انترناسیونال

## ۱۲۱

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

جمعه، ۱۶ دی ۱۳۸۴، ۶ ژانویه ۲۰۰۶

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



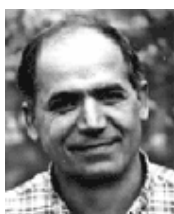
منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



## اعتصاب نکنید و دست در دست حزبتان نگذارید! ما به شما وعده های خوب میدهیم!

اصغر کریمی

### به کارگران واحد

اصغر کریمی

صفحه ۷

مشکلكشان حل شد. باید راه را بر هرگونه سوء استفاده های سیاسی و منفعت طلبی های ضد انقلاب بست و ما نیز سعی می کنیم در صفحه ۳

جنبش کارگری بسیار حائز اهمیت است. میگوید: نباید این تلقی به وجود بیاید که چون کارکنان شرکت واحد دست به اعتصاب زدند

با رفتای کارگر شرکت واحد در مورد صحبت های قالیباف قالیباف اخیرا سیاست رژیم را با صراحت بیشتری نسبت به سایر مقامات رژیم توضیح داده است. توجه به این مساله برای فعالین



ستون اول

حمید تقوایی

## جایگاه سیاسی مبارزه کارگران واحد

یکی از اتهامات کارگران شرکت واحد سیاسی بودن آنهاست! مقامات و روزنامه های ریز و درشت رژیم کارگران را متهم میکنند که مبارزه آنها سیاسی است و اهداف سیاسی دارند. برای منصور اصانلو رهبر بازداشت شده سندیکای کارگران پرونده سیاسی میسازند و ادعا میکنند که وی قصد براندازی نظام را داشته است. این نوع ادعاها و اتهامات تنها حکم محکومیت اتهام زنده را صادر میکنند و بس. اینها نشانه ترس جمهوری اسلامی از هر نوع مبارزه حق طلبانه کارگران است. رژیمی که از بلند شدن هر فریاد حق طلبانه و از هر اعتصاب و اعتراضی احساس خطر و برانداخته شدن میکند عمرش به سر رسیده است و باید برانداخته شود!

مقامات رژیم اسلامی درست میگویند. مبارزه کارگران واحد سیاسی است. احساس خطر حکومتیان از این مبارزات نیز کاملا بجاست. اما نه به این دلیل که کارگران با مطالبات سیاسی و با خواست سرنوشتی حکومت اعتصاب کرده اند. آروز البته دور نیست و بزودی فرا خواهد رسید. اما مبارزه امروز کارگران بر سر مطالبات صنفیشان است، بر سر آزادی تشکل و قرارداد جمعی و انحلال شوراهای اسلامی است. و این را هم همه جامعه میدانند و هم حکومت اسلامی. اما با این همه هم از نقطه نظر حکومت و هم جامعه مبارزه کارگران واحد از صرف يك رویارویی صنفی و مطالباتی کارگر و کارفرما فراتر میرود.

صفحه ۲

## قدرت ما در حزبیت ما است

حمید تقوایی

این نوشته بر اساس سخنرانی در پلنوم ۲۴ تنظیم شده است.

قصدمن در این بحث طرح يك نکات پایه ای در مورد حزبیت و گسترش و تقویت حزب است. بدنبال این بحث وارد اولویتها و نکات مشخص تری در مورد وظایف حزب در این دوره میشویم. تا آنجا که به خود سند اولویتهای دوره ای حزب مربوط میشود (رجوع کنید به انترناسیونال شماره های ۱۱۴ و ۱۱۵) اگر آنرا خوانده باشید

میبینید چیزی نیست غیر از يك زیر مجموعه ای از سند پلاتفرم رهبری که در کنگره چهار تصویب شد و بخشهایی هم از قطعنامه هایی که در همان کنگره و کنگره پنجم به تصویب رسید. اگر کسی بخواهد ببیند استراتژی حزب چیست و آن خطی که همه این وظایف و اولویتها را

صفحه ۴

برای آزادی اسانلو از زندان جمهوری اسلامی  
رانندگان شرکت واحد روز شنبه  
چراغ ماشین های خود را روشن میکنند  
به هر راننده شرکت واحد یک شاخه گل

صفحه ۲



گوشه ای از تجمع کارگران شرکت واحد در استادیوم آزادی

## آغاز به کار مدرسه های کمونیسم کارگری گفتگو با خلیل کیوان، دبیر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری

مختلف کار مدارس حزبی در میان گذاشته ایم. انترناسیونال

صفحه ۸

از جزئیات این مدارس مطلع شده اند. در این گفتگو سئوالاتی را با خلیل کیوان، دبیر تشکیلات خارج برای روشنتر شدن جوانب

مدارس حزبی کمونیسم کارگری در ماه ژانویه به کار میکنند. مسلمان طی ابلاغیه های تشکیلاتی، اعضا و کادرها



## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## ستون اول

مبارزه کارگران واحد از لحاظ مضمون مطالبات صنفی است اما با مبارزه صنفی کارگران انگلیس و فرانسه و آمریکا فرق میکند. با اعتصاب کارگران مترو پاریس در چند سال قبل و یا مترو نیویورک در دو هفته قبل کاملاً متفاوت است. مبارزه کارگران واحد در دل نظام اختناق زده ای صورت میگیرد که هر فریاد حق طلبانه ای پایه های آن را میلرزاند. هم حکومت و هم مردم در این اعتصاب اخلاص در نظم موجود را میبینند، مردم امیدوار میشوند و به حمایت بر میخیزند و رژیم به هراس میافتد و بر آن میتازد. مبارزه کارگران واحد، مانند هر مبارزه مطالباتی و حق طلبانه دیگر، نه بخاطر مضمون خواستها و اهدافش بلکه بدلیل جایگاه و نقش اش در نظام اختناق اسلامی مبارزه ای سیاسی است.

اما حتی اگر کارگران مستقیماً

خواست و مطالبات سیاسی را مطرح میکردند جرمی مرتکب نشده بودند. در هر جامعه ای که حد اقلی از حقوق مردم برسمیت شناخته شده باشد اعتراض و مخالفت با دولت و نظام حاکم حق هر کارگر و هر شهروند محسوب میشود. در کشورهای غربی حتی اتحادیه های کارگری که عرصه فعالیت خود را صنفی تعریف میکنند به احزاب سیاسی مرتبط اند و در انتخاباتها رسماً از حزب معینی حمایت میکنند. مساله کارگران صرفاً به چهاردیواری کارخانه و مسائل صنفی محدود نمیشود. کارگر هم مثل هر شهروند دیگر در جامعه زندگی میکند و نسبت به مسائل عمومی سیاسی و اجتماعی صاحب نظر و جانبدار است. حق دارد تشکل و حزب سیاسی داشته باشد و حکومت و نظام حاکم را از لحاظ سیاسی نقد کند و به مصاف بطلد.

تنها در نظامهای مافوق ارتجاعی نظیر جمهوری اسلامی است که سیاسی بودن و مبارزه سیاسی کارگران يك گناه کبیره و يك تايو محسوب میشود. این تايو را باید در هم شکست. مبارزه و اعتراض سیاسی حق کارگر است و اولین هدف این مبارزه و اعتراض سیاسی نیز تثبیت و تحمیل این حق به حکومتهاى دیکتاتوری ای نظیر جمهوری اسلامی است.

کارگران واحد برای مطالبات پایه ای خود مبارزه میکنند. این نه درجه صنفی و یا سیاسی بودن این مطالبات بلکه حقانیت آنهاست که به این مبارزه جایگاه و اهمیت ویژه ای در فضای سیاسی جامعه بخشیده است. آنچه میتواند تبلیغات و اتهامزنی ها و پرونده سازیهای سیاسی رژیم را خنثی کند، مبارزه متحد و همبسته کارگران و پافشاری بر مطالبات بر حشاشان مستقل از سیاسی و یا غیر سیاسی بودن این خواستها و مطالبات است. \*

## از صفحه ۱ برای آزادی اسانلو از زندان

بنا به گزارشی که یکی از فعالین سندیکای شرکت واحد برای ما ارسال کرده است، قرار است روز شنبه ۱۷ دیماه (۷ ژانویه) رانندگان اتوبوسهای شرکت واحد با خواست آزادی فوری اسانلو، چراغ اتوبوسها را در تمام طول روز روشن کنند و با نسب پلاکاردی بر روی اتوبوسها با عنوان منسور اسانلو باید فوراً آزاد شود، به زندانی بودن اسانلو اعتراض کنند. اسانلو از روز پنجشنبه ۱ دیماه در زندان بسر میبرد و اخیراً ممنوع الملاقات شده است. دو روز قبل جمهوری اسلامی به همسر او امکان داد که در زندان اوین تلفنی با اسانلو صحبت کند.

اقدام رانندگان در روز شنبه ۱۷ دیماه، يك اقدام اخطاری به جمهوری اسلامی برای آزادی اسانلو است. لازم به توضیح است که کارگران و کارکنان شرکت واحد از مذاکره با قالیباف برای آزادی اسانلو به هیچ نتیجه ای نرسیدند و از سخنرانی نماینده رژیم در استادیوم آزادی نیز به این نتیجه رسیدند که تنها راه برای آزادی اسانلو و پیگیری خواستههای خود دست زدن به اقدامات متحد و قدرتمند از جانب خود آنها است.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از این اقدام کارگران شرکت واحد تهران حمایت میکند و همه رانندگان خودروهای دیگر را

رژیم میخواهد با وعده های پوچ و توخالی مردم معترض فیض آباد را سریدواند و فرسوده و پراکنده کند. رژیم در حق این مردم جنایت کرده است و باید با اعتراض وسیع همه مردم گوشمالی داده شود. مبارزه مردم فیض آباد باید با حمایت پرشورتر شما همراه شود تا زمانی که رژیم تسلیم مردم شود و به مطالبات عادلانه شان گردن گذارد. به مردم باید فوراً خسارت کامل پرداخت شود، مکان های مناسبی برای اسکان مردم در اختیار آنها قرار گیرد و مسئولین این جنایت علناً به مردم معرفی شوند. خانه های مردم را وسط زمستان تخریب کرده اند و موظف اند که جبران کنند. رژیم را باید وادار به عقب نشینی کرد.

رژیم میخواهد با وعده های پوچ و توخالی مردم معترض فیض آباد را سریدواند و فرسوده و پراکنده کند. رژیم در حق این مردم جنایت کرده است و باید با اعتراض وسیع همه مردم گوشمالی داده شود. مبارزه مردم فیض آباد باید با حمایت پرشورتر شما همراه شود تا زمانی که رژیم تسلیم مردم شود و به مطالبات عادلانه شان گردن گذارد. به مردم باید فوراً خسارت کامل پرداخت شود، مکان های مناسبی برای اسکان مردم در اختیار آنها قرار گیرد و مسئولین این جنایت علناً به مردم معرفی شوند. خانه های مردم را وسط زمستان تخریب کرده اند و موظف اند که جبران کنند. رژیم را باید وادار به عقب نشینی کرد.

رژیم نیز باید بداند که مردم فیض آباد کوتاه نمی آیند. حق خود را میخواهند و باید به آنها پاسخ داده شود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ دی ماه ۱۳۸۴، ۵ ژانویه ۲۰۰۶

## مردم محله فیض آباد سندج همچنان

## به مبارزه سرسختانه خود ادامه میدهند

## تجمع امروز در مقابل استانداری برگزار شد

سران رژیم مطمئن باشند که مردم فیض آباد کوتاه نمیایند و این مبارزه خاموش نمیشود

طبق آخرین خبر امروز ۱۵ دیماه، مردم محله فیض آباد سندج که خانه و سرپناهشان در روز یکشنبه ۴ دیماه در سرمای زمستان بوسيله رژیم جنایتکار اسلامی به بهانه های پوچ تخریب شده است، به اعتراضشان در برابر استانداری شهر سندج ادامه دادند.

مردم فیض آباد در طول یازده روز گذشته بارها در مقابل ادارات مختلف دست به تجمع زده اند و مردم مبارز سندج نیز به گرمی آنها را مورد حمایت قرار داده اند. تجمع امروز از ساعت ۹ صبح در مقابل استانداری شروع شد و سخنگویان مردم اعلام کردند در شرایطی که خبری از کارشناسان رژیم برای برآورد میزان خسارات به مردم نیست، کارشناسان مردم میزان خسارت وارده را برآورد کرده اند و رژیم موظف به پرداخت کامل خسارت است.

مردم تا روز دوشنبه به مقامات دولتی فرصت جبران خسارت دادند و اعلام کردند چنانچه تا این تاریخ نمایندگان رژیم اقدام عملی در این زمینه انجام ندهند، اعتراض خود را به تهران میکشاندند و در مقابل دفتر

مردم آزادیخواه سندج جوانان، دانشجویان، کارگران

## همبستگی بین المللی کارگری با اعتصاب کارگران واحد

در طول اعتصاب و مبارزه کارگران واحد، تعداد زیادی از کارگران در ایران و اتحادیه های کارگری در سطح جهان از مبارزه کارگران واحد پشتیبانی کرده اند.

این نشانی از همبستگی شور انگیز بین المللی است.

حزب کمونیست کارگری در اطلاعیه های متعدد

متن این همبستگی ها را در سطح وسیع منتشر کرده است.

حزب همچنین با تمام قوا برای انعکاس خبر مبارزه کارگران کارگران واحد

و جاب همبستگی بین المللی تلاش میکند.

به علت تراکم مطلب در این شماره، امکان پذیر نشد

متن این اطلاعیه های همبستگی منتشر شود.

برای اطلاع از متن این حمایت های بین المللی میتوانيد به سایت حزب کمونیست

کارگری و سایت روزنه مراجعه کنید.

انترناسیونال

## از صفحه ۱ اعتصاب نکند و دست در دست ...

کمترین زمان ممکن و با یاری کارکنان شرکت واحد مشکلات را از پیش بروداریم".

اینها زمانی جز سرکوب زبان دیگری نداشتند. میگریفتند، میزدند، سرکوب میکردند، کمونیست کشتی میکردند، کارگران حق طلب و مبارز را اخراج میکردند، شوراها واقعی کارگری را منحل میکردند و بر گورستانی که ایجاد کردند شوراها اسلامی این باندهای سیاه خود را در کارخانه ها ساختند و خفان بی نظیری را حاکم کردند و آتوق به کارگری که خاموش و تماما بیحقوق کرده بودند، بدترین نوع استثمار و کار ارزان و به اکثریت عظیم جامعه فقری بیسابقه و غیرقابل توصیف تحمیل کردند. الان زورشان نمیرسد، با زبان دیگری این سیاست را پیش میبرند. وعده میدهند، چرب زبانی میکنند، شوراها اسلامی شان هم مقداری ضجه و ناله میکنند و نق میزنند و گاهی هم اگر لازم شود قه کشتی میکنند و زبان هم میبرند، و به موازات همه اینها سیاست همیشگی دستگیری فعالین کارگری و رهبران اعتصاب را هم چاشنی این قضایا میکنند تا کارگر را هم بترسانند و هم با وعده سر خرمن از مهمترین نقطه قوتش که اعتصاب است برحذر دارند. این یک رکن سیاست آنها است. رکن دیگر سیاست شان دور کردن کارگران از حزب سیاسی شان است. بویژه در سالهای اخیر میبینند که سرها بیشتر به طرف حزب برگشته است. پیام کارگران نساجی را میشوند که میگوید: "حزب کمونیست کارگری ایران تمامی ابزارهایش را بکار گرفت تا صدای ما را به مردم سراسر جهان برساند. پیروزی اعتصاب ما در گرو اتحاد و همبستگی ما بود اما پیروزی ما زمانی قطعی شد که حزب کمونیست کارگری ایران منعکس کننده لحظه به لحظه مبارزات ما شد." میبینند که این پیام ها همه گیرتر میشود و رابطه ها با حزب گسترده تر میشود و آتوق مجبور میشوند در مقابل کارگر زانو بزنند و نماز وحشت بخوانند. باید کاری کنند که این روند متوقف شود. این رکن دیگر سیاست آنها است. قالیباف میگوید میخواهیم نشان دهیم که با اعتصاب راه به جایی نمیبیرد و

نمیخواهیم بگذاریم که ضدانقلاب، که ایشان نمیخواهد اسمش را ببرد، منفعت طلبی کند و نفوذش را گسترش دهد. سیاست رژیم همین است که قالیباف میگوید. تمام تلاششان این است که این دو نقطه قوت را از کارگران بگیرند. و آتوق به سر کارگر و مطالباتش همان بیابرد که ۲۷ سال آورده اند. این لب کلام قالیباف و جوهر سیاست رژیم اسلامی است. و توجه به این مساله و خنثی کردن آن همانطور که گفتم برای فعالین کارگری موضوعی مهم و حیاتی است.

قالیباف دقت بسیار زیادی دارد که در طی اینهمه مذاکره و سخنرانی و مصاحبه یک کلمه بطور مشخص از هیچ خواست و مطالبه کارگران اسم نیاورد. مرتب از "مشکلات"، از اینکه ۳۴ مشکل دارند، حرف میزند اما حتی یک بار نمیگوید کارگران خواهان به رسمیت شناختن سندیکا و انحلال شورای اسلامی هستند، نمیگوید قرارداد دسته جمعی و لغو کار قراردادی و افزایش دستمزد بالا میخواهند. و این هم سیاست همه مقامات و رسانه هایشان است. کارگر اینقدر خود را تحمیل کرده است که مرتب مجبورند از اعتصاب و راهپیمایی و جاده بستن ها بگویند اما تا میتوانند بر خواستها سرپوش میگذارند چون نمیتوانند و نمیخواهند به هیچ خواستی پاسخ دهند. نه میخواهند شوراها اسلامی را منحل کنند، نه تشکیل آزاد و مستقل کارگری را برسمیت بشناسند و نه دستمزد را به پانصد هزار برسانند، نه میخواهند کارگران قراردادی را به استخدام رسمی درآورند و نه قرارداد دسته جمعی را قبول کنند. اما در عین حال با وقاحت آخوندی و پس از ۲۷ سال سرکوب و وعده دادن و فقیر و فقیر تر کردن کارگران توقع دارند که کارگر بگوید چشم آقای قالیباف دیگر اعتصاب نمیکنیم و منتظر قول های شما میشویم. مدتها است کارگران از این نقطه عبور کرده اند و طبق آمار خود رژیم فقط در سه ماه اول امسال ۲۰۲۰ اعتصاب سازمان داده اند.

کارگران نساجی در سنندج حقیقتی را میگویند آنجا که میگویند پیروزی ما زمانی قطعی شد که حزب کمونیست کارگری ایران

با تمام قوا در کنار آنها بود. اما جالب است زمانیکه سال قبل مقامات ریز و درشت به کارخانه رفتند و بارها رابطه کارگران با حزب را برای ارباب کارگران و انداختن آنها به موضع دفاعی به رخ کشیدند کارگران با شهادت و بسیار سنجیده و آگاهانه به آنها پاسخ دادند به خواستهایمان رسیدگی کنید تا حزب هم دخالت نکند و خیرها را منعکس نکند. این جوابی است که کارگران شرکت واحد هم باید خود را برای آن آماده کنند. دوستان قالیباف در "راه توده" که رابطه دوستانه و تنگاتنگی با وزارت اطلاعات دارند پایبای قالیباف و سایر مقامات رژیم با صراحت بیشتری کارگران را از این دو نقطه قدرت خود میترسانند. راه توده از کارگران میخواهد که گوش به قالیباف بدهند که با دلسوزی میخواهد مشکلات کارگران را حل کند و نیازی به اعتصاب و اشکال رادیکال نیست، منتظر شوید، شلوغ نکنید، جلسه قالیباف را مثل کنفرانس برلین نکنید، همه چیز با کمک قالیباف درست میشود و کارگران از رابطه با حزب میترسانند و تهدیدشان میکنند. و همه معنی تهدید یک جریان وابسته به وزارت اطلاعات را میفهمند.

اما علیرغم اینها، سران رژیم منبعد با سرعت و دفعات بیشتری باید مردم را از رابطه با حزب برحذر بدارند و هربار سنگ روی یخ شوند. این جوهر تحولات سیاسی در این مقطع است. روندی نیست که به سفارش قالیباف و راه توده و خامنه ای متوقف شود. فردا نماینده رژیم در عسلویه و پتروشیمی ها و ایران خودرو و آب و برق هم همین نصیحت های تهدیدگونه را تکرار خواهد کرد. این روند متوقف شدنی نیست.

اینجا روی صحبت من با کارگران پیشرو و مبارز در شرکت واحد و همه مراکز کارگری است که بر این دو نقطه قوت خود با تمام قوا اتکا کنید، پافشاری کنید، با حرارت بیشتری نیروی متحد خود را به میدان آورید و دستتان را در دست حزبتان بگذارید اگر میخواهید اعتصاب جانانه ای سازمان دهید. با حزب رابطه تنگاتنگ تری برقرار کنید اگر میخواهید اعتصابات به یک مساله مهم سیاسی در جامعه تبدیل شود، در سطح جهانی منعکس شود، رژیم را به عقب براند

و به جایی برسد. و نه تنها بخاطر پیشرفت اعتصابات، تحکیم رابطه با حزب حیاتی است، که برای سرنگونی این حکومت و ساختن یک دنیای بهتر ده بار حیاتی تر است. در مقابل این سیاست رژیم برای حفظ خود و برای حفظ پایه های استثمار کار ارزان و بیحقوق نگهداشتن مردم، و برای مقابله با آن هرچه بیشتر این حزب را مال خود کنید و به آن بیبندید. حزب همه جا، قدم به قدم، با دلسوزی و با تمام قوا در کنار شما است. این حزبی علیه سرمایه داری و استثمار است، علیه نابرابری و تبعیض است، علیه بیحقوقی زن است، علیه حکومت مذهبی و دخالت مذهب در زندگی مردم است، علیه اعدام و قصاص و سنگسار و شکنجه است، خواهان وسیعترین آزادیهای سیاسی و اجتماعی است، خواهان یک زندگی شاد و ایمن برای همه کودکان است. حزبی برای تقویت اعتراضات امروز و برای انقلاب فردا است، این حزب سیاسی طبقه کارگر است، طبقه ای که مبارزه اش کلید یک جامعه انسانی و یک دنیای بهتر است.

اما به چند نکته مشخص تر در مورد این مبارزه و سیاست رژیم هم باید اشاره کرد:

قالیباف نه شورای اسلامی را منحل میکند نه سندیکا را به رسمیت میشناسد، نه دستمزد را باب طبع کارگران افزایش میدهد، نه قرارداد دسته جمعی را میپذیرد و نه کارگران قراردادی را رسمی میکند. توده های کارگر توهمی به این مساله ندارند. قطعاً اینها توان سرکوب گسترده کارگران شرکت واحد را ندارند و بعلاوه بخاطر همان اعتصاب یک روزه و تداوم اعتراض در روزهای گذشته مجبورند مقداری عقب نشینی کنند. بنظر من این قطعی است. اما چند اقدام مهم در دستور دارند:

۱- با چاپلوسی و قول و قرار، کارگران را بجای اعتصاب و مبارزه به حالت انتظار نگه دارند و زمان بخرند.

۲- فعالین سندیکا و اعتصاب را به انحاء مختلف تحت فشار قرار دهند. فی الحال برای همه آنها پرونده درست کرده اند و حساب هایشان را بسته اند که از نظر اقتصادی هم آنها را بیشتر در مضیقه قرار دهند. با این کار سعی میکنند تعدادی را بترسانند و

نافعال کنند.

۳- انواع تهدیدات دیگر نیز بالای سر مسئولین سندیکا و فعالین اعتصاب نگه خواهند داشت. سعی میکنند رابطه کارگران را با تهدید و ارباب با دنیای خارج قطع کنند تا مسائل کارگران کمتر منعکس شود و بدین ترتیب روحیه اعتراضی را پائین بیاورند.

۴- تلاش میکنند در میان کارگران شکاف بیندازند. هنوز دستمزدی افزایش ندهاده دارند میگویند رانندگان باید از بقیه بیشتر دستمزد بگیرند. این اظهار نظرها صرفاً توطئه ای برای جدا کردن رانندگان از بقیه کارکنان شرکت واحد است. در میان اعضا و فعالین سندیکا هم سعی میکنند دودستگی ایجاد کنند و عده ای را از تداوم یک مبارزه قاطع و موثر باز دارند. انواع شیوه های دیگر و وعده های دیگر نیز برای ایجاد شکاف در دستور میگذارند.

۵- و با این اقدامات فضای یاس و اینکه اعتصاب راه حل نیست را اشاعه دهند و همزمان به برخی خواسته های فرعی و حاشیه ای کارگران، از جمله برخی تعویض ها مثل برکناری نوربان پاسخ بدهند، طبقه بندی مشاغل را ناقص و نیمه کاره جلو بیندازند، با این نیت که رضایت بخشی از رانندگان و کارکنان را جلب کنند و آنها را از ادامه مبارزه منصرف کنند.

و اگر در این موارد موفق شوند، به هدف خود رسیده اند. با کمترین عقب نشینی این دوره را پشت سر میگذارند و آنها که از آسیاب افتاد بتدریج بعد از چند ماه پرونده ها را فعال میکنند و کارگران را به حالت دفاعی می اندازند. سندیکا غیرقانونی و شورای اسلامی سر جای خود. و در بر همان پاشنه که بود خواهد چرخید.

### آیا توان عملی کردن این سیاست را دارند؟

بنظر من به سادگی میتوان رژیم و قالیباف را ناکام کرد. کارگران در وسط راه هستند، نقطه قدرتهای خود را دیده اند، توهمات بیشتر فرو ریخته است، اتحاد بالاتری در میان کارکنان و کارگران شکل گرفته است، اعتصاب و مبارزه کارگران انعکاس وسیعی یافته است، در سطح جهانی هرروز بیشتر منعکس میشود و مورد حمایت گسترده تری

## از صفحه ۱ قدرت ما در حزیت ما است

بهم وصل میکند چیست و ما از کجا شروع کرده ایم و به کجا آمده ایم به نظر من باید به قطعنامه های کنگره چهار و پنج رجوع کند. پلاتفرم رهبری هم هنوز یک فرم خیلی کنکرت شرح وظایف است. این پلاتفرم اساس اش پلاتفرم رهبری ای بود که قبلا منصور حکمت نوشته بود. در هر حال سند اولویتهای امروز یک سابقه ای دارد و باید بر متن اسناد پایه ای تر و استراتژیک حزب بررسی شود. اگر یادتان باشد قطعنامه کنگره چهار عنوانش "حزب و چشم انداز انقلاب ایران" بود و قطعنامه کنگره پنج هم در مورد استراتژی و وظایف حزب برای سازماندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی بود. اینها کاملا به هم مربوط اند و سند اولویتهای این پلنوم هم با این اسناد کاملا ربط دارد و باید در ادامه این اسناد در نظر گرفته شود. ما گاهی این تصویر عمومی را فراموش میکنیم و خود را در متن سیاست عمومی و قدمتهای که برداشته ایم نمیگذاریم. گاهی کمی زیادی فلسفی میشویم کمی زیادی میخواهیم برگردیم به اعماق. نمی بینیم که آن بحثهای عمیق را داشته ایم و آن افق و بحثهای اساسی بالاخره به اسناد سیاسی در مورد چشم انداز و نقشه عملها و شرح وظایف و پلاتفرم رهبری و غیره ترجمه شده است. زمینه این نقشه عملها از جمله کوهی از مباحث و جدلهائی است که قبل از انشعاب داشته ایم.

### جدال بر سر هویت کمونیستی حزب

اختلاف نظر و مباحثی که در حزب ما در دوره یکساله قبل از انشعاب شکل گرفت حزب ما را آبدیده تر کرد. حزبی که از مبارزه نظری با منشعبین پیروز بیرون آمد همان حزبی نبود که وارد این جدل شد. این تصور غلط است که منشعبین مثل یک غده ای جدا شدند و بقیه حزب تغییر نی کرد. اینطور نیست. منشعبین کنار رفتند و ما به حزبی متحد تر و منسجمتر حول انقلاب و سوسیالیسم تبدیل شدیم. ما در غیاب منصور حکمت درگیر یک جدال سخت و بیسابقه در درون صفوف خود حزب شدیم. در جدالی در دفاع از منصور حکمت و در دفاع از کمونیسم کارگری و در

را مدام میبینید. در کارخانه های کردستان، در تهران، در اول ماه مه ها، در جریان انتخابات و فستیوال دفاع از حقوق کودک و غیره و غیره میبینید که این حرکت دارد به پیش میروند. در ادامه این ما شرح وظایف نوشتیم و تمام بحثهایی که داریم میکنیم انقلاب چطور سازماندهی میشود، وظایف رهبری چیست، بحث سلبی یعنی چه، راست کجا قرار دارد، و چپ کجا قرار گرفته و قطعنامه مفصلی که در کنگره پنجم تصویب کردیم، همه این جوانب را توضیح میدهد. همه اینها را بحث کردیم و باز شدیم و توضیح دادیم. ما حرکت کرده ایم و بجلو آمده ایم. و تا آنجا که توانش را داشته ایم به مسائل گرهی جواب داده ایم.

### حزب را باید حول سوسیالیسم ساخت و هر روز ساخت

پس امروز بحث بر سر چیست و الان داریم چکار میکنیم؟ بحث این پلنوم چیست؟ رفقا ما حق نداریم لم بدهیم. اگر یک چیز را از منصور حکمت آموخته باشیم اینست. نمیتوانیم جا خوش کنیم. جامعه و زندگی بما این اجازه را نمیدهد. نمیتوانیم از خودمان راضی باشیم. این هم در مورد سیاستها و نقشه عملها صادق است و هم در مورد خود حزب. نمیتوان گفت حزب را ساختیم و حالا باید برویم سراغ جامعه. هیچوقت این را نمیشود گفت. حزب را باید هر روزه ساخت. حزب همیشه در حال بازسازی شدن است. همیشه دارد دوباره ساخته میشود. همانطور که مبارزه هر روز مساله تازه ای در مقابل ما میگذارد حزب را هم باید هر روز ساخت و تقویت کرد. هیچوقت نمیشود گفت این شمشیر آماده شد حالا با آن فقط باید جنگید. شمشیر را باید ضمن جنگ بسازیم. سنوآل بعدی طبعاً اینست که چگونه باید این کار را بکنیم، منظور ما مشخصاً از ساختن هر روزه حزب چیست؟ در پاسخ به این سنوآل به اصل پایه ای دیگری باید تاکید کنیم: حزب در دل مبارزه ساخته میشود، ولی حول مبارزه ساخته نمیشود. حزب کمونیست کارگری ایران را حول سرنگونی نمیشود ساخت. حول مبارزه جاری کارگری هم نمیشود ساخت. حزب کمونیسم کارگری را در این جنگ در دل

مبارزات کارگری و در دل جنبش سرنگونی و دردل انقلاب باید درست کرد ولی حول چه؟ با چه هدف و آرمان و علت وجودی ای؟ هویت و ضرورت وجودی حزب چیست؟ جوابش را منصور حکمت داده است. کافی است از خودمان پرسیم حزب کمونیست کارگری ایران حول چه درست شد؟ حول نقد ناسیونالیسم کرد؟ حول سرنگونی جمهوری اسلامی؟ حول حتی مسائل منطقی؟ حول پاسخ تاکتیکی به بورژوازی بعد از فروریختن دیوار برلین؟ خیر، علت وجودی حزب کمونیست کارگری هیچیک از اینها نبود. حزب کمونیسم کارگری حول نقد سوسیالیستی دنیای معاصر و برای تحقق فوری سوسیالیسم ساخته شد. این حزب بخش تحزب یافته جنبش اجتماعی کمونیسم کارگری بود که در بطن مبارزه طبقه کارگر و بورژوازی جهانی در مقطعی که "سوسیالیسم" اردوگاهی ورشکسته شده بود ساخته شد. انقلاب ایران یک گوشه تصویر است و سرنگونی گوشه دیگر تصویر ولی همه تصویر نیست. و همه آنهایی که منطقی ای دیدند و ناسیونالیستی دیدند و فکر کردند اردوگاهشان را نباید ترک کنند و فکر کردند دعوا در کردستان است، فکر کردند روحیه پیشمرگه پائین میآید، و گفتند میمانیم و تشکیلات پیشمرگه را حفظ میکنیم، مانند تشکیلاتشان را هم از دست دادند. و ما آمدیم و به اینجا رسیدیم. حالا باید برگردیم و از خودمان پرسیم این تاکید بر هویت کمونیسم امروز چه جایگاهی دارد؟ مال آن دوره بود؟ مال مقطع ریزش دیوار برلین بود؟ منصور حکمت حزب را حول آن آرمانها ساخت و دیگر تمام شد؟ حالا فقط باید برویم توی انقلاب؟ خب میرویم و غرق میشویم! گفته ایم حزب و جامعه، حزب و انقلاب، حزب و قدرت سیاسی! حزب یک وجه ثابت همه بحثهای پایه ای ما در این دوره بوده است. حزب میخواست سرنگون کند. حزبی که حول سرنگونی درست شود سرنگون نمیکند! حزب را اگر حول مساله روز درست کنید دیگر حزب نیست، جبهه است. حزب را در دل انقلاب میسازند ولی حول انقلاب میسازند. حزب را در دل جنبش کارگری میسازند ولی حول آن میسازند. حزب کمونیستی را تنها میشود حول سوسیالیسم و نقد کمونیستی دنیای امروز ساخت و

تقویت کرد و گسترش داد. حزب کمونیست کارگری بر این مبنا تاسیس شد و بر همین مبنا باید هر روز از نو ساخته شود. مساله حزیت و مکان حزب در جامعه را میتوان از زوایان مختلفی دید، که در بحثهای این پلنوم هم مطرح شد. جنبشی کار میکنیم و یا حزبی؟ کار روتین و یا فعالیت کمپینی؟ کار سیاسی و یا کار تشکیلاتی؟ این دوقطبی ها به نظر من همه تصنعی اند. یک حرف و یک کار است. اینها عرصه و جنبه های مختلف یک مبارزه واحد است و حزیت، استحکام حزب و گسترش حزب محور و پیش شرط انجام همه آنهاست. اساسی ترین مباحث ما از کنگره دو تا کنون حزب و جامعه، حزب و قدرت سیاسی، و حزب و انقلاب بوده است. حزب یک پای همه این بحثهاست، و مساله اصلی هویت و علت وجودی خود این حزب است.

من میپرسم ما کی هستیم؟ جنبش سرنگونی باشد و یا نباشد، قبل از سرنگونی و یا بعد از سرنگونی و در ایران و یا افغانستان و یا فرانسه و یا هر جای دیگر جبهه مبارزه علیه مذهب و برای سکولاریسم و یا آزادی زن و غیره باشد و یا نباشد مستقل از همه اینها باید بدانیم ما کی هستیم و برای چه دور هم در یک حزب جمع شده ایم. فلسفه زندگیمان و فلسفه فعالیت سیاسی مان چیست؟ چرا هر یک از ما ده سال و بیست سال و سی سال است در این جنبش هستیم؟ داریم چکار میکنیم؟ بحث من بر سر هویت ماست، و به همین هویت کمونیستی ارج میگذارم و به همین میگویم مبارزه و به همین میگویم پیش شرط اصلی پیروزی و رهائی. اگر قدر این را بدانیم، اگر بفهمیم منبع قدرت ما اینست، منبع بشاش بودن ما اینست، منبع پیروزی ما در سندنجد و در کانادا و در انگلیس اینست، آنوقت کسان دیگر را هم مثل خودمان خواهیم کرد. آنوقت میفهمیم عضوگیری یعنی چی. آنوقت میفهمیم منصور حکمت را باید به هشت زبان ترجمه کرد و برد در جامعه. انتشارات را باید درست کرد. باید کمک مالی جمع کرد و غیره و غیره. اما اگر قدرت و اهمیت و جایگاه کمونیسم و جنبش کمونیستی را نبینیم در جنبش جاری غرق خواهیم شد و همه

## از صفحه ۴ قدرت ما در حزیت ما است

چیز را به کمپینها و مصافهای روزمره محدود خواهیم کرد و در نتیجه در همان هم شکست خواهیم خورد.

مساله امروز ما اینست که حزب ما آنچه میتواند و باید باشد نیست. مارکسیسم و آموزش مارکسیستی در آن ضعیف شده است، تبلیغ و ترویج کمونیستی ضعیف شده است، نشریات و ادبیات حزبی در سطح گسترده تکثیر و پخش نمیشود، عضوگیری و ارتقا اعضا بخوبی صورت نمیگیرد و غیره. مشکل در چیست؟ اشکالمان تشکیلاتی است؟ سبک کاریست؟ مدیرتیمان بد است؟ مدیر و مدیر نداریم؟ اینها به نظر من ارزیابی خردی است. به نظر من ریشه مساله اینجاست که تصور کرده ایم رابطه حزب و جامعه یکطرفه است. حزب را جا گذاشته ایم و یکسره رفته ایم توی جامعه. رفته ایم توی کمپینها، یک ذره نمیخواهم اهمیت کمپینها را کم رنگ کنم منتھی اگر همان کمپینها را هم خواهیم خوب پیش ببریم باید حزب را بجسبیم. الان دیگر به اینجا رسیده ایم. در بحث حزب و جامعه تاکید ما باید همان اندازه بر حزب باشد که بر جامعه و اجتماعی شدن فعالیتهای حزب. حضور حزب را باید اعلام کرد و حزب را باید مدام تقویت کرد و گسترش داد. باید شناخت و نقد کمونیستی دنیای معاصر را بمیان جامعه برد و برای اینکه این کار را بکنیم هر روز باید "مارکسیسم و جهان امروز" و "تفاوتهای ما" را بگذاریم روی میز و در متن جنبش طبقاتی امروز و جواب مسائل این جنبش را بدهیم. حزب باید در خود یک موضوع کار همیشگی رهبری حزب باشد.

یک جزء دیگر کار ما اینست که باید پرسپکتیو مبارزه طبقاتی امروز دنیا را ببینیم و باید بنیم مبارزه علیه نظم نوین جهانی کجای استراتژی حزب، و حزب کمونیست کارگری کجای جنبش کمونیسم کارگری جهان قرار گرفته است. اینطور نیست که چون تبعید شده ایم داریم خودمان را مشغول میکنیم تا انقلاب شروع شود و برگردیم! جنگمان جهانی است و در ایران هم پیروز بشویم این جنگ ادامه خواهد داشت. خارج کشور را پشت جبهه داخل کشور نباید دید. این را بارها

منصور حکمت تاکید میکرد. اینطور نیست که یک عده ایرانی تبعیدی سرنگونی طلب دور هم نشسته اند و بعنوان یک کار جانبی مساله حجاب کودک و قتلهای ناموسی در اسکاندیناوی و دادگاه شریعه در کانادا را مشغولیت خودشان کرده اند. و انقلاب در ایران بشود همه اینها را تعطیل میکنیم میرویم داخل. ما ای. ان. سی. (کنگره ملی آفریقا که علیه آپارتاید می جنگید) نیستیم. حتی بلشویکهای تبعیدی هم نیستیم. ما حزب کمونیست کارگری ایم و چون حزب کمونیست کارگری هستیم در صدتا جبهه داریم در مقابل دنیای واژگونه ای که سرمایه داری عصر ما ساخته است میجنگیم. اگر این موقعیت خودمان در مبارزه طبقاتی را ببینیم آنوقت این سر بهم آوردن خطوط فعالیتهای متعدد و متنوع حزبی را ببینیم و تصویر درستی از مبارزه حزب خواهیم داشت. یک کمونیست قبل از هر چیز کمونیست است برای اینکه تمدن دوره خودش و انسانیت دوره خودش را نمایندگی میکند. بر این اساس راه و استراتژی اش را میشناسد و تعیین میکند و آنوقت میبرد در یک عرصه و جبهه معین وارد نبرد مشخصی میشود. بالاخره مبارزه کنکرت است و در زمان و مکان معینی اتفاق میافتد. حزب بالاخره باید دولت معینی را سرنگون کند و در جامعه معینی قدرت سیاسی را بدست بیاورد، ولی حزبیت و هویتش را از نقد عمیق طبقاتی و آرمان و هدف نهائی و جهانی اش میگردد.

## حزب، مارکسیسم، و نسل امروز

رفقا، هر یک از ما چرا کمونیست شدیم؟ با یک آرمانها و افقهای. با نقد عمیق دنیای موجود، با یک درک معینی از موقعیت خودمان و نقش خودمان در تغییر دنیا. من که چه شدم از اولین کارهایی که کردم مانیفست را از رفیقی گرفتم و با کاغذ کاربن در پنج نسخه دستنویس کردم و پخش کردم. در گورستان آریامهری آن زمان وزیر سایه سیاه ساواک اینطور کار میکردیم و شارژ و بشاش میشدیم. حالا برنامه یک دنیای بهتر را دست رفیق بغل دستیمان میدهم.

و عوارض این کم توجهی به اشاعه ادبیات کمونیستی همه جا

قابل مشاهده است. یک عارضه پیر شدن حزب است. مارکسیسم در حزب ما دارد پیر میشود. و مارکسیسم خود یک نظریه زنده و بالنده است. ما فقط با مارکس خواندن مارکسیست نشدیم. مسائل سیاسی و عملی زیادی فرا راه ما بود، آنچه منصور حکمت به آن جبهه های اصلی نبرد میگفت. خیلی از ما با نوشته "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی" مارکسیست شدیم. و از آنجا فهمیدیم اصلا سرمایه داری به چه معناست. و یا با بحث "حل امپریالیستی مساله ارضی" فهمیدیم فرق سرمایه داری و فئودالیسم در جوامع تحت سلطه چیست. با "تفاوتهای ما" و "مارکسیسم و جهان امروز" کمونیسم را بعنوان یک جنبش اجتماعی شناختیم و به نقد جهان امروز مسلح شدیم. جنبش ما این ادبیات را دارد اما آنرا کمتر با نسل امروز در میان میگذاریم و کمتر با خودمان شریکش میکنیم.

من در کنگره چهارم گفتم نسل ما این شانس را نداشت، منصور حکمت را نداشت و حزب کمونیست کارگری را پشت سر خودش نداشت. چپ یا باید چرک میشد و یا توده ای و مائوئیست میشد. امروز کمونیسم کارگری را داریم، منصور حکمت را و یک کوه ادبیات زنده و عمیق در نقد کمونیستی دنیای امروز. جوانان امروز دیگر مجبور نیستند با ذره بین دنبال آثار مارکسیستی بگردند. شما به این جوانان چه میگوئید؟ خب الان که دیگر نیازی به دستنویسی و کاغذ کاربن نیست. ادبیات ما هم تنها مانیفست نیست. دهها سند و تحلیل و رساله داریم. یک دنیای بهتر را داریم و هزار و یک بحث دیگر از "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی" تا "مارکسیسم و جهان امروز" و تا "دنیا پس از یازده سپتامبر". اینها را باید به میان جامعه برد و به نسل امروز معرفی کرد و این یک بخش مهم حزبیت و حزیناسی است.

رفقا میراث ما برای نسل جوان، برای جوانهایی که در همین جلسه نشسته اند، جنبش سرنگونی نیست. بحث سلبی اثباتی هم نیست. بحث استراتژی ما برای تصرف قدرت سیاسی هم نیست. میراث ما برای این نسل نقد کمونیستی دنیاست، سوسیالیسم است و آزادی انسان است. باید مثل خودمان را بسازیم. ما محصول

جنبش علیه جمهوری اسلامی نیستیم. ما محصول جنبش کمونیسم کارگری علیه سرمایه داری هستیم. چپ جوان را هم باید همینطور بار بیاوریم.

در یک سطح اجتماعی و پایه ای تر که مساله را مورد بررسی قرار بدهید متوجه میشوید که بحث در واقع بر سر جبهه اصلی نبرد برای نسل امروز است. در حزب ما کادراهائی هستند که از جنگهای دیگری بیرون آمده اند. مارکسیسم انقلابی در نبرد با پوپولیسم شکل گرفت و کمونیسم کارگری در طلوع نظم نوین جهانی و در نقد سرمایه داری پس از جنگ سرد بوجود آمد. نبرد جوان امروز چیست؟ او باید در چه نبردی آبدیده بشود؟ جنگ با جمهوری اسلامی؟ این کافی نیست، جواب نمیدهد. در اینجا هم محور کار ما نقد سوسیالیستی است، نقد سوسیالیستی نظم نوین جهانی و الگوهای سیاسی-اقتصادی-اجتماعی مافوق ارتجاعی که سرمایه داری بازار آزاد پسا جنگ سرد میخواهد بر جامعه بشری تحمیل کند. حزب ما پرچمدار این نقد و سازمان پراتیک اجتماعی این نقد است. این نبرد حزب ما و نبرد چپ جوان در دنیای امروز است.

رفقا، حزب باید قویتر و مستحکم تر شود، به پیش برود و رهبری انقلاب را در دست بگیرد. برای تضمین این پیشروی باید آن مشعلی که در این حزب میسوزد، مشعل نقد کمونیستی دنیای معاصر را پاس بداریم. و به نسل بعدی بسپاریم. باید نسل جوان این مشعل را در دست بگیرد. ممکن است جمهوری اسلامی همین فردا سرنگون بشود ولی این بحث من هنوز سرچای خودش هست، سرنگونی جمهوری اسلامی تنها گام اول ما برای ساختن یک دنیای انسانی است. باید کمونیسم و نقد سوسیالیستی جهان موجود را بدست نسل بعدی داد. ما باید این جنبش را به میراث بگذاریم. باید نسل جوان به حزب بیاید و ارتقا پیدا کند و با ما هم افتق و هم نظر بشود و جنبش را صدها قدم جلوتر ببرد. باید جواب محیط زیست و گلوبالیزاسیون و ده ها مساله دیگر را هم بدهد.

این پلنوم این حزب را باید ببرد بر سر کمونیست بودن و در نتیجه نسل بعدی را کمونیست کردن و به جنبش کمونیستی ملحق کردن. این

یعنی همه قرارهائی که اینجا داریم. از کادر سازی تا آموزش تا حوزه ها و تا تبلیغ و ترویج و امکان سازی و کمک مالی جمع کردن و عضو گیری اینها نتایج مشخص عملی از این بحث است. وقتی مساله را به این شکل ببینیم روشن میشود که آموزش کجا قرار میگیرد، حوزه یعنی چه، ترویج چه نقشی دارد و عضو گیری چه اهمیتی دارد و غیره و غیره.

## رها کننده ابتدا باید خود رها شود

رفقا داستان زندگی ما، بر خلاف آنچه دوستان سابق ما گفتند و رفتند، قدرت سیاسی نیست. این داستان زندگی جلال طالبانی و بنی صدر و قاسملو و رجوی است و نه ما کمونیستها. منصور حکمت میگوید داستان زندگی من تغییر زندگی انسان است. ما میخواهیم زندگی بشر را تغییر بدهیم. از کمپین در سوئد و کانادا گرفته تا مذاکره با اروپای واحد و تا شورای پناهندگی و مبارزه برای حقوق پناهندگان، مشخصه حزب ما بهبود زندگی بشر است. ما کمونیستیم و میخواهیم این دنیای واژگونه را زیر و رو کنیم. این دنیا انسانی نیست و باید تغییرش داد.

اولین قدم ما چیست؟ اولین کار اینست که افرادی مثل خودمان و همعقیده و همدرد با خودمان بسازیم. کمونیستها خوشبخت ترین آدمهای دنیا هستند. از نظر ذهنی آزاد شده اند. میدانم از نظر اجتماعی و واقعی اسیر جامعه سرمایه داری هستند و باید مثل اکثریت افراد این جامعه صبح تا شب جان بکنند و استعمار بشوند ولی فرهنگ و مهندسی افکار سرمایه داری بر آنها بی اثر است. به ریش بی. بی. سی. و سی. ان. ان. میخندند. هدف و فلسفه زندگیشان را خودشان انتخاب کرده اند. علم قدرت است. آگاهی به حقیقت قدرت است و ما این قدرت را داریم. میخواهیم این جامعه را تغییر بدهیم. چرا نمیخواهیم دیگران مثل ما فکر کنند؟ چرا عضو گیری برای ما به امر دشوار و پیچیده ای تبدیل شده است؟ برای اینکه این حقایق، این نقطه قوت خود و دلیل وجودی خود را فراموش کرده ایم. وقتی میگوئیم باید حوزه بسازیم تصور میشود از یک چارت تشکیلاتی

## از صفحه ۵ قدرت ما در حزیت ما است

صحبت میکنیم. بحث بر سر اسم نیست. هر چه می‌خواهید اسمش را بگذارید. ولی بالاخره باید برویم این حقیقت کمونیستی و نقد کمونیستی وضعیت موجود را اشاعه بدهیم. باید برویم آدمها را همفکر و همراه خودمان بکنیم. روشن است که اگر بجای صدها هزاران، ده‌ها هزار و صدها هزار باشیم بشریت زودتر رها میشود. شروع مبارزه، اولین گام برای رهایی بشریت، رهایی خود رها کننده است. کسی که به نقد سوسیالیستی دنیا رسیده است و برای تغییر آن دست بکار شده است رهایی خود را آغاز کرده است حتی اگر روزی ده ساعت استعمار بشود. چرا این را نمی‌بینیم؟ ما حقیقت این جهان واژگونه را میشناسیم و می‌خواهیم آنرا تغییر بدهیم. چرا نباید همسایه مان هم همین را بگوید و همین کار را بکند؟ فرزندانمان هم همینطور و همشهرهایمان هم همینطور؟ حالا ایرانی باشد یا کاندائی یا آلمانی و انگلیسی. اینها بدیهیات کار هر حزب کمونیست واقعی و کارگری است مگر اینکه البته هویت‌مان را فراموش کرده باشیم، در مبارزات جاری غرق شده باشیم و اکتیویستهای یک جنبش‌هایی شده باشیم و علت وجودیمان و مبارزه و فعالیت‌مان را به آن جنبش‌ها محدود کرده باشیم. در اینصورت البته کار دیگری میکنیم.

رفقا، در موضوع عضو گیری و جذب فعالین به حزب نیز بحث من بر سر کمونیست بودن است. بحث چه باید بکنیم بعد از این مطرح میشود. مساله اینست که خود این نیروئی که می‌خواهد دنیا را تغییر بدهد اول باید ساخته شود. رها کننده ابتدا باید خود رها شده باشد. کسی که می‌خواهد جزء جنبش کمونیسم کارگری باشد و با جمهوری اسلامی بجنگد باید هویت و تعریف وجودی خودش را از جنبش کمونیسم کارگری بگیرد. کمونیسم کارگری جنبشی بسیار عمیق تر و فراتر از نقد جمهوری اسلامی و نقد مذهب و نقد دموکراسی است. کمونیسم کارگری نقد از خود بیگانگی انسان این قرن است و نقد زیر پا له شدن بشریت است. نقد استثمار و کار مزدی است و نقد مسخ شدن شخصیت انسان و حتی خود سرمایه دار است. یک کارو

سرمایه داری میتوانند زندگی کنند. سرنوشت‌مان را خودمان تعیین کرده ایم و ملعبه دست هیچکسی نشده ایم. نه گذاشتیم ناسیونالیسم ما را با خودش برد و نه مذهب ما را با خودش برد و نه اجازه دادیم نئو لیبرالیسم و مالتی کالچرالیسم و نسبییت فرهنگی ما را با خودش ببرد. خلاف جریان بوده ایم و همین جنگیده ایم و جلو آمده ایم. و همین خلاف جریان بودن به ما هویت میدهد. به موج می‌زنیم و جلو می‌رویم. و در این پیشروی مبارزین و فعالین بیشتری را با خود همراه و هم افق میکنیم.

### ضرورت گسترش حزب و حزیت در جنبش سرنگونی

بطور عینی وقتی نگاه میکنید و حزب را در جامعه و در دل جنبش سرنگونی در نظر می‌گیرید چه کسانی به طرف ما می‌آیند؟ فعالین جنبش‌های اعتراضی که در سطح وسیعی در جامعه در حال جریان است. نسل جوان امروز ایران فرقت با نسل گذشته اینست که در گیر یک مبارزه و جنبش عظیم است. در دوره ما خیابانها آرام و خلوت بود. اکتیویست آن دوره کسی بود که در محافل مخفی بحثهای مارکسیستی میکرد و چریک و یا مائوئیست میشد. امروز شرایط کاملاً فرق کرده است. الان جوانانی که به چه متمایل میشوند دستشان در کار مبارزات روزمره است. در جنبش کارگری و در جنبش دانشجویی و در شورهای شهری و در جنبش زنان فعال هستند. و این درخود بسیار مثبت و نقطه قوت رفقای ماست. اما این رفقا در فعالیت هر روزه شان به دیدگاه انتقادی عمیقتر و افق وسیعتری نیازمندند. این اکتیویستها برای آنکه در همان عرصه ای که مبارزه میکنند به پیش بروند باید نقد و شناختشان از دنیا تعمیق پیدا کند، باید "نه" آنها به وضع موجود رادیکال تر و همه جانبه تر شود، باید به شناخت و نقد کمونیستی دنیای معاصر مسلح شوند و تا سطح فعالین کمونیست ارتقا پیدا کنند. و این یک وظیفه پایه ای و محوری و همیشگی حزب ماست، این یعنی حزیت، یعنی حوزه ها، یعنی تبلیغ و ترویج کمونیستی، یعنی نشر آثار منصور حکمت، یعنی عضو گیری و آموزش و رشد اعضا، و خلاصه یعنی همه آن فعالیت‌هایی

که به آن "کار روتین" اطلاق میشود. پیشروی و پیروزی ما در جنبش سرنگونی نیز در کرو عملی کردن این نوع فعالیتها است رفقا بدون این نوع فعالیتها حزب تقویت نمیشود حتی اگر از لحاظ عددی تعداد اعضایش رو به افزایش باشد. فعال جنبش سرنگونی خودبخود تحزب نمیندیرد. باید حزبی فراتر از این جنبش و متکی به جنبش اجتماعی خود، جنبش کمونیسم کارگری، وجود داشته باشد تا بتواند در مبارزه علیه جمهوری اسلامی رادیکالیسم و آلترا تیبو و بر این مبنا حزیت کمونیستی را نمایندگی کند و تقویت کند و گسترش بدهد. باید حزبی مثل ما وجود داشته باشد که چه امروز را تعریف کند و به آن هویت بدهد (رکن اصلی بحث تعیین بخشی چه همین است).

وجود این حزب و گسترش صفوف این حزب پیش شرط حرکت متشکل و پراتیک اجتماعی برای مقابله با نظم نوین فوق ارتجاعی سرمایه در همه عرصه ها و از جمله سرنگونی نظام جمهوری اسلامی بقدرت انقلابی مردم است. به این معنا در دل جنبش سرنگونی نیز حزب و حزیت باید یک محور اصلی فعالیت هر روزه ما باشد.

### دستاوردها و پیشرویهای ما طبقاتی و جهانی است

در خاتمه اجازه بدهید بر یک نکته دیگر تاکید کنم. ما حزبی هستیم که اگر بر هویت سوسیالیستی مان اتکا کنیم و خودمان را قبل از هر چیز جزئی از جنبش اجتماعی کمونیسم کارگری علیه نظم نوین سرمایه بیسیم آنوقت پیروزیها و پیشرویها را بهتر می‌بینیم. اینطور نیست که اگر نبرد جهانی کمونیسم کارگری با نظم سرمایه داری در همه جای دنیا را مد نظر قرار بدهیم هدف خیلی دست نیافتنی تر به نظر میرسد و گویا تا دنیا سوسیالیستی نشود ما همچنان در مقام اپوزیسیون در جا می‌زنیم و کاری از پیش نمی‌بریم. به نظر میرسد چون سرنگونی جمهوری اسلامی زودتر از سرنگونی سرمایه جهانی دست میدهد این افق امید بخش تر و انگیزه و قوه محرکه بهتری است. در حالیکه مساله برعکس است. اگر کمونیست بودن را مبنا بگیریم و اگر نه فقط سرنگونی یک رژیم بلکه همه عرصه های مبارزه علیه نظم

سرمایه داری جهانی را ببینید، عرصه هایی که در بسیاری از آنها درگیریم و داریم می‌جنگیم و جلو می‌رویم، آنوقت قدر و جایگاه هر پیروزی را میدانید و از آن انرژی می‌گیرید. آنوقت وقتی آن پناهنده مجاهد را از عراق نجات میدهیم، وقتی قانون شریعه را در کانادا به شکست می‌کشانیم، وقتی سکولار سال میشویم، وقتی در اروپا به سخنگو و نماینده اعتراض به اعدام تبدیل میشویم آنوقت مستقل از اینکه جمهوری اسلامی دارد تقویت میشود و یا تضعیف میشود پیروزیها و پیشرویهایمان را می‌بینیم و به آنها متکی میشویم. آنوقت این پیروزیها به همان اندازه بالا رفتن شعارهای ما در ۱۶ آذرها و در ۸ مارسها و در اعتصابات کارگری و خیزشهای شهری به ما امید و افق میدهد.

منصور حکمت در کنگره سوم گفت اگر همین الان این سقف پائین بیاید حرکت ما ادامه پیدا میکند چون تا همینجا پیروز شده ایم. و این حقیقت شور انگیزی است. رفقا من بارها گفته ام ما تنها حزبی در تاریخ هستیم، در تاریخ چپ و راست، که در اپوزیسیون منشا اثر بوده ایم، در اپوزیسیون شروع کرده ایم به تغییر دنیا. و تمام نقطه قدرت ما اینجاست. اگر جنبش کمونیسم کارگری را یک جنبش در عرصه های متفاوت مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی جهانی ببینید با هر قدم انرژی می‌گیرید و هر قدمش پیشرفت بخش است و هر پیشروی اش را تبدیل میکنید به اهرمی در جنبش سرنگونی علیه جمهوری اسلامی. همین مبارزه جهانی ما در دفاع از سکولاریسم و علیه اسلام سیاسی واضح است که تاثیر بسیاری بر موقعیت و مبارزه ما در داخل ایران دارد. اما این یکی از نتایج کار ماست همانطور که منصور حکمت میگفت ما در خارج پشت جبهه جنبش سرنگونی نیستیم. این مبارزات در خود ارزشمند است و در خود دستاوردی است در جهت بهبود زندگی مردم. وقتی هزاران خانواده منسوب به اسلام در کانادا را از شر قوانین اسلامی نجات میدهیم و یا صدها انسان را از چنبره سازمان مجاهدین و آمریکا و جهنی که در عراق آفریده اند خلاص میکنیم زندگی انسانهایی را همین امروز

## به رانندگان و کارکنان شرکت واحد

اصغر کریمی، رئیس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران

### رفقای کارگر شرکت واحد

رژیم دارد برای خودش وقت میخورد. قالیباف از تمام قدرت خود، نه برای کمک به حل هیچکدام از مشکلات شما بلکه برای بی نتیجه ماندن مبارزه شما استفاده میکند. اسانلو را در زندان نگهداشته اند، دفتر سندیکایتان را مهر و موم کرده اند، حسابهای مسئولین سندیکا را بسته اند، برای تعداد زیادی از همکارانتان پرونده درست کرده اند و اگر مبارزه شما کاملاً به پیروزی نرسد، پرونده ها را بکار می اندازند و مانند فعالین اول مه سفر شما را به دادگاه میکشاند و به جرم اغتشاش و اخلاص در نظم مملکت محکومتان میکنند. هدف رژیم این است که شما بجای اتکا به نقطه قدرت خود یعنی اعتصاب و بجای سازمان دادن تجمعات چند هزار نفره، وارد بازی مذاکره و انتظار و ملاقات این و آن بشوید. قالیباف نماینده کارکنان رژیم است و همه توان خودش را برای آرام کردن شما، برای جلوگیری از اعتصاب شما بکار گرفته است. وعده میدهد که ظرف ۱۵ روز به خواستههای شما رسیدگی میکند اما همزمان تصمیم میگیرند رفقایان را دادگاههای کنند. به شما قول میدهد که شورای اسلامی طی مراحل منحل میشود اما با آنها بعنوان نماینده کارگران سه ساعت مذاکره میکند و آترا با آب و تاب در سایت شهرداری منتشر میکند.

قدرت اعتصاب یک روزه شما همه آنها را متوجه کرد که چه نیروی عظیمی دارید. تمام جامعه متوجه شما شد. در میانشان شکاف افتاد. مجبور شدند تعدادی از رفقایان را آزاد کنند، اما برایشان به جرم اخلاص و اغتشاش پرونده درست کردند. همه قدرتشان را بکار گرفته اند تا تاثیرات مهم اعتصاب شما را خنثی کنند. به نیروی خودتان اتکا کنید و منتظر وعده های قالیباف و هیچ مقام دیگری نشوید. تنها در این صورت است که توطئه های آنها را خنثی میکنید. آنها از اعتصاب شما وحشت دارند. شرکت واحد یکی از بزرگترین و مهمترین مراکز کارگری است که اگر پنج روز دست به اعتصاب بزند مطمئن باشید بالاترین مقامات رژیم در رادیو و تلویزیون به التماس خواهند افتاد.

مردم تهران با شما هستند، دانشجویان با شما هستند، سازمانهای کارگری در جهان در کنار شما خواهند بود و حزب کمونیست کارگری و رادیو و تلویزیون انترناسیونال نیز با تمام قوا و در قدم به قدم مبارزه با شما هستند. از این نقطه قوت های خود استفاده کنید. نگارید به شما مهلت های ۱۵ روزه بدهند و آتش مبارزه را سرد کنند. آمادگی برای اعتصاب در میان رانندگان و کارکنان بالا است. آمادگی برای تجمعات اعتراضی همزمان با اعتصاب بالا است و اینبار مطمئن باشید همکاران شما از فراخوان شما به اعتصاب استقبال بیشتری میکنند. یکی از همکاران شما در صحبت با تلویزیون انترناسیونال بدست اعلام کرد که با دوستانمان که در اعتصاب قبلی شرکت نکرده اند صحبت کرده ایم و اینبار آماده هستند.

شما میتوانید همه خواستههایتان را به کرسی بنشانید. اسانلو را آزاد کنید و تصمیم حکومت برای دادگاهی کردن همه رفقایان را برای همیشه ملغی کنید. میتوانید شورای اسلامی شرکت واحد را منحل کنید و دستمزدهای خود را نه آنطور که شورای اسلامی و خانه کارگر، این باندهای سیاه رژیم میخواهند، بلکه آن مقدار که خودتان میخواهید افزایش دهند. سرها به طرف شما برگشته است، خبر اعتصاب شما همه جا پیچیده است. رژیم از اعتصاب مجدد شما وحشت دارد. آنها روی بشکه باروت نشسته اند و میدانند که اعتصاب شما و پیروزی شما کل جنبش کارگری را به غلیان خواهد آورد. حداقل دستمزدی که برای زندگی تان مناسب تشخیص میدهد را خودتان تعیین کنید و به آنها نرسپارید. کارگران کاشان و پتروشیمی ماهشهر و کرمانشاه، ایران خودرو و کشتی سازی، فیلور، فلزکار و مکانیک کرمانشاه، نساجی سندج و بسیاری دیگر از واحدهای کارگری اعلام کرده اند که حداقل دستمزد نباید کمتر از ۴۵۰ هزار تومان باشد.

اعلام کنید که حق ندارند هیچ کارگری را به دادگاه بکشانند.

همکاران شما جرعی نکرده اند. پرونده ها را باید به اشغالدانی بریزند و همه اتهامات را رسماً و علناً پس بگیرند. منصور اسانلو باید فوراً و بدون فوت وقت آزاد شود و هرگونه پرونده سازی برای او ملغی شود و صریحاً به جامعه اعلام شود. شورای اسلامی شرکت واحد و همه شوراهای اسلامی باید منحل شوند. اینها نماینده رژیم و کارفرما هستند.

سندیکای شما و حق کارگران برای ایجاد تشکل آزاد و مستقل از دولت باید برسمیت شناخته شود. این ابتدائی ترین حق همه کارگران است.

کلیه کارگران قراردادی باید فوراً به استخدام رسمی و دائمی درآیند و حریه اخراج و عدم تمدید قرارداد از دستشان گرفته شود.

قراردادهای دسته جمعی باید به رسمیت شناخته شود.

کلیه خواستههایتان را بنویسید و به اطلاع همه همکاران و همه جامعه و سازمانهای کارگری در سطح جهان برسانید.

**روز اعتصابات را تعیین کنید و به اطلاع همه همکارانتان برسانید.** ارتباطتان را با حزب کمونیست کارگری گسترش دهید. این حزب شما است و رادیو و تلویزیون انترناسیونال صدای شما است.

ما تضمین میکنیم که رابطه نزدیک شما با حزب و انعکاس هرروزه مبارزات شما از رسانه های حزب، مبارزه شما را گامهای مهمی به جلو میبرد و پیروزی شما را نزدیک تر میکند. همانطور که در نساجی سندج شاهد بودیم. همانطور که در کارخانه رسندگی و بافندگی شاهر شاهد بودیم. اتحاد شما، پافشاری شما بر خواستههای بحق تان، حمایت گسترده مردم و ارتباط تنگاتنگ شما با حزب کمونیست کارگری نیروی ایجاد میکند که با آن میتوان پیروزی های زیادی بدست آورد.

### اصغر کریمی

رئیس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ دیماه ۱۳۸۴، ۱ ژانویه ۲۰۰۶

## کمکهای مالی رسیده به حزب

### آلمان

دوستدار حزب از طرف مهین درویشیان	۲۰ یورو
شهناز مرتب	۵۰ یورو
محمود جلیلی	۵۰ یورو
مهران مهرنوش	۵۰ یورو
سعید ویسی	۵۰ یورو
نوید محمدی	۲۰ یورو
سهیلا کیانی	۱۰ یورو
محمد امین کمانگر	۱۰ یورو
میزهای مالی اطلاعاتی در برمن	۳۱۰ یورو
حوزه گل میخک از کمیته کلن	۲۵۰ یورو

### سوئد

خسرو از مالمو	۲۰۰ کرون
گروه پناهجویان ام ام	۳۰۰ کرون

### کانادا

بانو مخبر	۵۰ دلار
جمع آوری از جشن در تورنتو	۵۰۰ دلار

## از صفحه ۶ قدرت مادر حریت ما است

مبارزه ملحق کنیم آنها را هم در این رهائی و مبارزه برای رهائی شریک کرده ایم. مبارزه برای آزاد ساختن انسانها خود قدم اول آزاد شدن مبارزه کننده است. باید انسانها را تغییر بدهیم و به صفوف خودمان ملحق کنیم تا اراده متشکل شان دنیا را تغییر بدهد. این اساس بحث من است و اگر این حلقه اصلی را در دست بگیریم رسیدن به نتایج مشخص عملی کار دشواری نیست.\*

نجات داده ایم و این درخود یک پیروزی ارزشمند و گرانبه است. این خبرها را که میشنوسیم شاداب میشویم و احساس فارغ بالی میکنیم و انرژی میگیریم. اینها را بنبینیم در اتاق انتظار سرنگونی مینشینیم. اگر این جنبش را همه جانبه و در یک چشم انداز جهانی مبارزه برای رهائی انسان ببینیم هر روز احساس قدرت بیشتری میکنیم. و هر روز پیشروی بیشتری میکنیم. و اگر انسانهای دیگری را هم به این

## از صفحه ۳ اعتصاب نکنید دست در دست ...

باز میکند، اینها خواستههای مهمی است که کل جامعه را بویژه با توجه به موقعیت این بخش از جنبش کارگری به حرکت درمیآورد و جنبش عظیمی حول آن شکل میگیرد. و فعالین کارگری بخوبی بر این امر واقفند که اگر خوب به روحیه مبارزه جوئی کارگران پاسخ دهند و مبارزه قاطع و رادیکالی را سازمان دهند و به خواستههای خود برسند جهش بزرگی به نفع تشبیت سندیکا، برای تحمیل خواستههای خود و بسیج سایر کارگران خواهند کرد. شخصاً خوشبینم که این مبارزه به دستاوردهای مهمی برسد. امیدوارم.\*

قرار میگیرد، رژیم توان سرکوب این مبارزه را ندارد، وضعیت رژیم وخیم تر از این حرفها است، بویژه رژیم همانطور که اشاره کردم از گسترش بیشتر نفوذ حزب عمیقاً نگران است. اینها و خیلی فاکتورهای دیگر به نفع کارگران عمل میکنند. کارگران میتوانستند خیلی موثر تر و قدرتمندتر عمل کنند اما کوتاه هم نیامده اند، هرروز دست به ابتکاری زده اند، خواستههای مهمی مثل آزادی فوری اسانلو، انحلال شورای اسلامی و برسمیت شناسی سندیکا، حق قرارداد دسته جمعی، استخدام رسمی کارگران قراردادی و خواست مهم افزایش بالای دستمزد که روز بروز بیشتر در میانشان جا

### دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044- 779-1130-707  
Fax: 0044-870-135-1338  
Email: markazi@ukonline.co.uk

از صفحه ۱

## گفتگو با خلیل کیوان

**انترناسیونال:** با تشکیل مدارس کمونیسم کارگری مشخصا چه اهدافی را دنبال میکنید؟

**خلیل کیوان:** با تشکیل این مدارس

قصد داریم امر آموزش را در مرکز توجه قرار دهیم و بطور جدی تری آنرا دنبال کنیم. توجه به آموزش و بالا بردن دانش سیاسی در صفوف حزب و بویژه تجهیز صف وسیعی از کادرها به دانش مارکسیستی نقطه شروع کار ماست. کادرها ستون فقرات حزب اند و از این نظر برای

یک حزب مارکسیست، همواره توجه به امر آموزش کادر باید یک دلتنگی دائمی باشد. در سالهای اخیر تعداد وسیعی عضو جدید به صفوف حزب در خارج پیوسته اند. بسیاری از آنها جوانتر از آن هستند که تجارب دوره انقلاب و جدل های آزمون را بخاطر داشته باشند. با تاریخ حزب آشنائی محدودی دارند. همه آنها مباحث حزب در زمینه های مختلف را مطالعه نکرده اند و یا بعد کافی به مباحث و جدال های بنیان های تئوریک و سیاسی حزب و جنبش ما را توضیح میدهند، مجهز نیستند. این طیف وسیع بدلائل مختلف به حزب پیوسته اند و الزاما تسلط کافی به اصول و بنیان های نظری و سیاسی کمونیسم کارگری ندارد. فعالین ضد رژیمی که بخاطر قاطعیت حزب برای سرنگون کردن رژیم آن را انتخاب کرده اند، فعالین زن که حزب را مدافع پیگیر امر خود دیده اند، کسانیکه از خرافه و عقب ماندگی و تسلط مذهب بر شئون زندگی به ستوه آمده اند و دیده اند که حزب منتقد تمام عیار مذهب است، پنهانده ای که متوجه شده است وجود حزب چه تاثیر مهمی بر زندگی اش گذاشته است و خلاصه هر کس به هر دلیلی به حزب پیوسته است، باید بعد از مدتی که به صفوف این حزب پیوسته است یک سوسیالیست شود و نقد سوسیالیستی از جامعه داشته باشد. وظیفه ماست که آنها را به دانش کافی و نقد همه جانبه از مناسبات سرمایه داری تجهیز کنیم. مارکس و منصور حکمت را به آنها آموزش دهیم و افق سوسیالیستی را بعنوان راه نجات جامعه از مصائبی که بشر به آن مبتلا است به آنها بشناسانیم. به یک معنی همه نقشه را بدست آنها بدیم بطوریکه به سوسیالیسم

کادر بودن در حزب هم این دوره لازم است. این يك ضرورت است و نه اجبار، و کسی که میخواهد کادر شود میدانند که این از شروط آن است و آگاهانه انتخاب میکنند. بنابراین اجباری در کار نیست. همینجا لازم میدانم تاکید کنم که همه کادرهایی که از سال ۲۰۰۰ عضو حزب شده اند، لازم است با مدیران این مدارس تماس بگیرند و برای شرکت در کلاس ها ثبت نام کنند. این نکته را قبل از ابلاغیه ای به اطلاع اعضا رسانده بودیم.

**انترناسیونال:** چه موضوعاتی قرار است در این مدارس آموزش داده شوند؟ و چرا این موضوعات انتخاب شده اند؟

**خلیل کیوان:** با توجه به محدودیت هایی که فعلا داریم تعداد معدودی از دروس را انتخاب کرده ایم. قطعاً در شرایط مناسبتری تعداد این دروس و وسعت موضوعات و حتی دوره ها میتواند گسترش یابد. در حال حاضر ۵ مبحث انتخاب شده است. این مباحث در واقع حداقل موضوعات مورد نظرمان و کلیدی ترین و ضروری ترین موضوعاتی است که کادرها لازم است به آنها تسلط داشته باشند و عبارتند از تاریخ تحلیلی حزب، برنامه حزب، مانیفست کمونیست، مارکسیسم و جهان امروز و اصول سازمانی حزب.

**انترناسیونال:** نحوه کار مدارس کمونیسم کارگری چگونه است؟ دوره زمانیشان چه مدت است؟ آیا يك استاندارد سراسری ناظر به کار این مدارس است؟ یا بسته به شرایط اشکال مختلفی خواهد داشت؟

**خلیل کیوان:** این مدارس طبق استانداردهای تعریف شده که در ابلاغیه ها توضیح داده شده است، کار خواهند کرد. این مدارس به دو شکل برگزار میشوند. بصورت متمرکز و با راه اندازی دوره های ۵ تا ۷ روزه در اردوهای تفریحی آموزشی که مناسبترین وقت آن هم تابستانهاست. و یا بصورت غیر متمرکز و با برگزاری تک جلساتی در يك روز معین هفته و در يك مدت زمان مثلا ۳ ماهه. میتوان ترکیبی از هر دو را هم بکار گرفت. این مدارس در حال حاضر در چهار کشور و ۵ شهر دایر خواهند شد. در آلمان، انگلیس، سوئد و کانادا. هر کدام از این مدارس يك مدیر خواهد داشت. مدیران هر مدرسه همه امور

مدرسه از ثبت نام تا سازماندهی کلاس ها و دوره ها را بعهده خواهند داشت. مدیران مدرسه از طرفی با شرکت کنندگان در مدارس و از طرف دیگر با مدرسین در تماس و هماهنگی کار خواهند کرد. جا دارد همینجا مدیران مدارس را معرفی کنم. در کانادا محمود احمدی، در انگلیس سهیلا شریفی، در آلمان محمد شکوهی، در سوئد، استکلمل جمیل فرزاد و در گوتنبرگ سوسن صابری مدیریت این مدارس را بعهده دارند. ضمنا قصد داریم کتابخانه ای در جوار هر مدرسه داشته باشیم. از کسانی که مایلند و میتوانند کتاب در اختیار ما قرار دهند تقاضا دارم که با مدیران این مدارس تماس بگیرند و کتابهای اهدائی خود را در اختیار مدارس قرار دهند.

**انترناسیونال:** تکلیف اعضائی که در تشکیلات های کشورهای غیر از چهار کشور مذکور فعالیت میکنند چه میشود؟ برای آنها چه برنامه آموزشی دارید؟

**خلیل کیوان:** ما موانع و مشکلات متعددی داریم. یکی از آنها گستردگی تشکیلات است که کشورها و شهرهای بسیاری را در برمیگیرد. پراکندگی اعضا در کشورهای مختلف يك مشکل جدی برای يك کار متمرکز خواهد بود. اما در این مورد هم فکر کرده ایم. مثلا آلمان مرکزی خواهد شد که از فرانسه و سوئیس و بلژیک و هلند هم ثبت نام خواهد کرد و آنها را در دوره های متمرکز آموزشی جا خواهد داد. سوئد مرکزی برای کشورهای اسکاندیناوی است. برای کشورهای دیگر هم باید فکری بکنیم از جمله برای تشکیلات غرب کانادا و یا آمریکا و استرالیا. به این کارها باید به مرور پردازیم و موانع را از سر راه برداریم و راه حل پیدا کنیم. ما در آغاز کار هستیم و باید هم کارمان را بهبود و ارتقا دهیم و هم به گسترش آن توجه داشته باشیم. اینها موضوعات و مشکلاتی است که از چشم ما پنهان نیست. به آنها

واقفیم. ما جلسات دائمی از مدیران داریم و دائما کمبدها و نواقص را بررسی میکنیم. امیدواریم بعد از يك دوره بتوانیم از هر نظر جهشی در کارمان داشته باشیم. حتی پس از هر دوره جلسات مشترک مدیران و مدرسین را برای همفکری و ارتقا کار برگزار خواهیم کرد.

**انترناسیونال:** بعد از اتمام هر دوره آیا دوره تازه ای شروع خواهد شد؟ به يك معنی آیا این مدارس موقتی هستند یا یکی از کارها و برنامه های روتین حزبی تلقی میشوند؟

**خلیل کیوان:** هر دوره نهایتا باید ظرف ۳ و حداکثر ۴ ماه به اتمام برسد. کار مدارس دائمی خواهد بود و با پایان هر دوره، دوره های جدید برای متقاضیان کادر شروع خواهد شد.

**انترناسیونال:** موفقیت مدارس کمونیسم کارگری در گرو چیست؟ از نظر شما در چه شرایطی میتوان گفت مدارس کمونیسم کارگری به نتایج مورد نظر رسیده اند؟ این مدارس باید به چه نتایجی برسند که بتوان گفت موفق شده اند و به اهداف رسیده اند؟

**خلیل کیوان:** جذب تعداد هر چه بیشتری به این مدارس و بالا بردن سطح دانش سیاسی آنها يك شاخص مهم است. قاعدتا با اتمام این دوره ها علاقه به آموختن و مطالعه آثار کمونیسم کارگری و مارکسیستی باید تشدید شود. این هم شاخص دیگری است. بعلاوه، علاقه به سرنوشت حزب و جنبش ما و دخالتگری سیاسی و مسئولیت پذیری باید افزایش یابد. ما باید بتوانیم در عین حال علاقه، ظرفیت ها و توانائی های کادرها در این دوره ها را نیز دریابیم، هدایت کنیم و در نتیجه صف پرشورتری از فعالین حزبی را شاهد باشیم. از این نظر هم مدیران و هم مدرسین که رابطه نزدیکی با اعضا در این کلاس ها و دوره ها خواهند داشت، نقش مهمی دارند. \*

## قابل توجه نویسندگان انترناسیونال

آخرین زمان دریافت مطلب: چهارشنبه ۵ بعد از ظهر بوقت تورنتو

حجم مطلب: ۱ صفحه و نیم ۴، فوت ۱۴، فاصله نرمال (word) مطالبی که بعد از این زمان دریافت شوند، در صورت کهنه نشدن موضوع در شماره های بعد مورد استفاده قرار خواهند گرفت.